



تصویر شماره ۱

## ایجاد برابری جنسیتی در زندگی شهری

برابری جنسیتی و توسعه شهری: ساختن اجتماعات بهتر برای همه

ونیکا جکل و ماریکه ون گلدرمالسن<sup>[۱]</sup>

مترجم: نیکزاد زنگنه

پژوهشگر و فعال حقوق زنان

### مقدمه

اگر با دید جنسیتی به شهرها نگاه کنیم، یکی از مهم‌ترین تفاوت‌هایی که استفاده از فضای شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نقش‌ها و مسئولیت‌های زنانه و مردانه است. با توجه به تقسیم جنسیتی کار، زنان بیشتر مسئولیت کارهای مراقبتی در خانواده و اجتماع را بر عهده دارند. به همین دلیل زنان به عنوان کاربران کلیدی فضای شهری و تولیدکنندگان کلیدی محیط‌های مسکونی در برنامه‌ریزی و توسعه شهری، از موقعیت مرکزی و مهمی برخوردار هستند.

توسعه کنونی زیرساخت‌های شهری و محیط‌های ساخته شده نیاز دارند تا برای ارتقای بیشتر برابری جنسیتی در استفاده از مزایای فضای شهری از نو طراحی شوند. بسیاری از روندهای پیشین و کنونی برنامه‌ریزی و توسعه شهری بازتاب‌دهنده نگاه مردانه به نقش‌هایی است که معمولاً زنان بر عهده دارند. مشاهده خانواده، اجتماعات، شهرها و مناطق باعینک جنسیتی نیازمند یک تغییر بنیادی در تفکر و عمل است.

1-Monika Jaeckel and Marieke van Geldermalsen.





تصویر شماره ۳

### قدرت حضور

محله‌هایی پایدار هستند که از ترکیبی واقعی از یک جمعیت که دارای نیازها و منافع مختلف هستند، تشکیل شده باشند. این جمعیت از سوی دیگر می‌تواند دارایی‌های متفاوتی را به محله خود منتقل کند. این دارایی‌ها می‌تواند شامل زمان، مراقبت، مهارت‌ها، فرهنگ، سرمایه اجتماعی و پول باشد. «نوسازی» عمدتاً محله‌ها را به محیط‌های اقتصادی تک فرهنگی تبدیل می‌کند. یک انتقاد رایج که به اجتماعات مسکونی تازه‌ساز وارد می‌شود، این است که آن‌ها زیبا اما کسل‌کننده هستند. ساکنان این محله‌ها بیشتر زمان خود را در خارج از محله می‌گذرانند. این محله‌ها فاقد روح و نشاط هستند.

برای ایمن‌سازی و بازگرداندن نشاط به محله‌ها به افرادی نیاز داریم که بتوانند و مشتاق باشند تا زمان، انرژی، خلاقیت، حضور و شبکه اجتماعی خود را به بهبود و مفرح‌سازی فضای محله اختصاص دهند. اگر قرار است محله‌ها محیط‌های امن و حمایت‌گری برای کودکان و سایر افراد وابسته باشند، همسایه‌ها باید یکدیگر را بشناسند، به هم توجه کنند و نسبت به محیط خود احساس مسئولیت داشته باشند. برای این منظور نیاز به انسجام اجتماعی و درک متقابل وجود دارد. چنین شرایطی دیگر مانند گذشته به راحتی به وجود نمی‌آید. ایجاد یا احیای چنین وضعیتی نیازمند تلاش شهروندان فعال و آگاه در کنار سیاست‌گذاری‌های بخش عمومی و خصوصی است که برای بازسازی ویژگی‌های فیزیکی



تصویر شماره ۲

این مقاله به طور خلاصه به اصول اساسی می‌پردازد که می‌تواند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری را در فرآیند طراحی و توسعه مجدد مناطق شهری به سمت یک رویکرد فراگیر، جنسیت‌مدار و پاسخگو در برابر همه هدایت کند.

### اصلاح فضای عمومی برای زندگی روزانه

استفاده از رویکردی پراکنده در برنامه‌ریزی شهری در چند دهه گذشته به محیط‌های تفکیک‌شده شهری منجر شده است. جایی که مناطق مسکونی، فضاهای کاری، مراکز خرید و محیط‌های تفریحی در فضاهای جداگانه‌ای قرار دارند و با بزرگراه‌ها و سیستم‌های حمل و نقل عمومی گسترده به هم متصل می‌شوند. در این رویکرد، عبور و مرور شهری به وجه غالبی تبدیل شده است که تمام کارکردهای دیگر را در زندگی شهری و در میان چشم‌انداز گسترده‌ای از زیرساخت‌ها و فن‌آوری خلاصه می‌کند.

کسانی که به طور هنجاری عهده‌دار مسئولیت‌های مراقبتی در خانواده و اجتماع هستند باید به طور همزمان از بسیاری از جنبه‌های متنوع زندگی شهری بهره‌مند شوند و این باعث می‌شود تا بهره‌وری تکنوکراتیک محیط‌های شهری تک فرهنگی معکوس شود. این گروه — که عمدتاً زنان هستند — برای حفظ تعادل در وظایف متعدد روزانه به فضاهای شهری چندمنظوره نیاز دارند. محله‌های کامل با کاربری‌های گوناگون، مسیرهای کوتاه و نزدیکی به محیط کار، مهدکودک و مدرسه، دسترسی کامل به مراکز خرید و فروشگاه‌ها، فضاهای امن برای عابر پیاده و دسترسی مکرر و آسان به سیستم‌های حمل و نقل عمومی برخی از عناصر اصلی زندگی شهری است که با نیازهای زنان در نقش مراقبت‌کننده هم‌خوانی دارد.

### زندگی شهری برای همه است

ساختار فضای شهری اغلب چالش‌های سختی را به گروه‌های کم‌تحرکی مانند کودکان، سالمندان و معلولان تحمیل می‌کند. اعضای این گروه‌ها یا گروه‌های مشابه به حاشیه رانده شده و به زندگی در فضایی که پاسخگوی همه نیازهای آن‌ها باشد محدود می‌شوند. آن‌ها اغلب در جریان اصلی زندگی شهری پذیرفته نمی‌شوند. عنصر تحرک باعث شده است تا محیط‌های مسکونی از فضاهای اجتماعی مجزا باشند زیرا ساکنان این محیط‌ها در خارج از محله خود درگیر فعالیت‌های اجتماعی هستند. اینترنت و دیگر اشکال جدید فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات نیز این روندها را تقویت کرده است.

از آنجا که عبور و مرور اتومبیل‌ها خیابان‌های محلی را به جایی خطرناک برای بازی کودکان تبدیل کرده است، دامنه فضایی که آن‌ها می‌توانند در آن به طور مستقل دست به کشف محیط خانه خود بزنند، به شدت محدود شده است. نوجوانان نیز برای رفتن به مکان‌های مختص به خود مانند پارک‌ها و زمین‌های بازی به طور فزاینده‌ای به والدین خود یا بزرگسالان دیگر وابسته شده‌اند.

و اجتماعی محیط‌های شهری ما طراحی شده است. افراد مختلف در مراحل متفاوت زندگی خود چیزهای متنوعی را برای ارائه کردن به محله خود دارند. از این چشم‌انداز، برنامه‌ریزی شهری نیاز دارد تا بر ارائه ساختارها و فرصت‌ها برای ایجاد یک تبادل محلی در زمینه طیف گسترده‌ای از دارایی‌ها و سرمایه‌های درونی یک اجتماع تمرکز کند.

### اهمیت محلی

ساختن محله‌ها و شهرهای جامعی که بیشتر پاسخگوی نیازهای زنان باشند در گرو اعمال اصلاحات «محلی» در برنامه‌ریزی فضایی شهری، کاربری زمین، توسعه اقتصادی و اجتماعی، مشارکت مدنی و یکپارچه‌سازی فرهنگی است.

ما در زمانه تغییرات اجتماعی و جمعیتی سریع زندگی می‌کنیم. خانواده‌ها در حال کوچک شدن هستند، زندگی مجردی افزایش پیدا کرده است و افراد سالمند در یک روند رو به رشد از خانواده کنار گذاشته می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی سنتی مانند خانواده‌های گسترده، اجتماعات مذهبی و سازمان‌های خیریه که پیکره جامعه را به هم پیوند داده بودند، زمین بازی خود را از دست داده‌اند. در نتیجه نیاز به ایجاد راه‌های جدیدی برای حفظ انسجام اجتماعی به وجود آمده است. بعد فضای محلی در محله‌های شهری دارای پتانسیل مهمی برای توسعه اشکال جدید همبستگی اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی است.

گسترش سریع جنبش بین‌المللی مراکز مادران<sup>[1]</sup> در دو دهه گذشته به وضوح نیاز تاریخی به حمایت اجتماعی و گسترش فضای اجتماعی با توجه به مسئولیت‌های والدین و مراقبت از خانواده را نشان می‌دهد. ضرب‌المثل «بچه برای بزرگ شدن نیاز به یک دهکده آدم داره»<sup>[2]</sup> یک یادآوری مهم است که مراقبت از نسل آینده کودکان و نوجوانان وظیفه‌ای است که انجام آن به ظرفیتی بیش از خانواده هسته‌ای امروز نیاز دارد. اصطلاح «محلی» یعنی پل زدن میان حوزه خصوصی-عمومی و حوزه رسمی-غیررسمی که به خوبی با

2-Mother Centers International movement.

3-“It takes a village to raise a child”.

وظایف حمایتی و مراقبتی تطابق می‌یابد. شبکه‌های محلی در محله‌ها ویژگی‌های یک «دهکده شهری» را ایجاد می‌کند که فرصت‌های بیشتری را برای تقسیم وظیفه حیاتی حمایت از کودکان و سالمندان فراهم می‌سازد. مفهوم «محلی» نشانگر چشم‌انداز جدیدی در زندگی چند نسلی همسایه‌ها است که با جلوگیری از محدودیت دسترسی و نهادینه شدن و متمرکز شدن بیش از حد سیستم‌ها تحقق می‌یابد. این مفهوم، سالمندان را قادر می‌سازد تا در محیطی آشنا، نزدیک به خانواده، دوستان، اقوام، همسایه‌های قدیمی زندگی کنند.

### بازگرداندن فرهنگ مراقبت به زندگی اجتماعی

بازکردن ساختارهای خانواده هسته‌ای به روی شبکه‌های حمایتی محلی در محله‌های شهری مسئولیت جمعی بیشتری را در قبال وظایف باروری و نگهداری از سالمندان به عرصه زندگی اجتماعی وارد می‌کند. این اقدام همچنین موجب می‌شود تا پتانسیل تنظیم تقسیم کار و مسئولیت‌های جنسیتی در محیط خانواده و اجتماع عملی شود. مطالعات مختلف نشان می‌دهد زمانی که مسئولیت‌های مراقبتی و حمایتی خانوادگی در یک محیط عمومی و جمعی «اجتماعی می‌شوند»، مردان تمایل بیشتری به همکاری در آن نشان می‌دهند.

فضای عمومی در زمینه شبکه‌های خانوادگی و محله‌ای همچنان شخصی و خصوصی باقی مانده است. مراکز مادران دارای فضاهای محلی خودگردانی برای خانواده‌ها و کودکان هستند که «اتاق نشیمن عمومی»<sup>[3]</sup> نامیده می‌شود و شیوه مناسبی برای توصیف این خاصیت ویژه است. از این طریق کودکان در یک محیط حفاظت‌شده محلی به زندگی عمومی وارد می‌شوند و سالمندان مشارکت‌کنندگان فعال این اجتماعات چندنسلی هستند.

محله‌های شهری مکانی برای تبادل اطلاعات، فرهنگ و دانش محلی است. این فضاها می‌توانند بر دشوارترین چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و شخصی جامعه معاصر تأثیر بگذارند و به غلبه بر انزوای خودیگانگی کمک کنند.

### مشارکت مدنی و یکپارچه‌سازی

اصطلاح «محلی» نقش مهمی را در ایجاد مشارکت مدنی و فراگیری اجتماعی ایفا می‌کند. زمانی که فضاهای عمومی محله‌ها برای تسهیل تماس و ارتباط افراد باهم طراحی شوند، مکان‌هایی برای دیدار، آشنایی، ایجاد درک متقابل و تعریف فعالیت‌های مشترک شکل می‌گیرد. فضاهای اجتماعی و فیزیکی در مقیاس کوچک، موجب تقویت پایداری شبکه‌های اجتماعی می‌شود. فضاهای غیررسمی و آشنای این مکان‌ها باعث می‌شود تا شهروندان فعالانه از مهارت‌ها و منابع خود استفاده کنند و در رهبری محلی مشارکت کنند. این میزان استفاده و مشارکت در ساختارهای نهادینه شده رسمی با مقیاس بزرگ در زندگی عمومی بسیار کاهش می‌یابد. از سوی دیگر زنان به طور قابل ملاحظه‌ای در سطوح کوچک‌تر فضای عمومی و شبکه‌های اجتماعی، مشارکت و رهبری فعالانه‌تری نشان می‌دهند.

این نوع انسجام اجتماعی برای مدیریت موفقیت‌آمیز تنوع چندفرهنگی و ترویج صلح اجتماعی ضروری است. امروزه محل کار به دلایل مختلف کارکرد اولیه گذشته را به عنوان مکان شهری برای یکپارچگی اجتماعی ندارد بلکه اکنون این محله‌ها هستند که از طریق تعامل کودکان با دوستان، خانواده‌ها، معلم‌ها و دیگر اعضای کلیدی اجتماعات، فرهنگ‌های محلی را گسترش می‌دهند. بنابراین «محلی» اهمیت بسیاری برای انسجام اجتماعی به ویژه در باره مشارکت زنان در زندگی اجتماعی دارد.

### توسعه اقتصادی و اجتماعی محلی

صنعتی شدن، جهانی شدن و رقابت بر سر فن‌آوری و اقتصاد، یک دوگانگی رو به رشدی در بین نیروی کار مولد و ماهر و کسانی که از اقتصاد رسمی کنار گذاشته شده‌اند، ایجاد کرده است. احیای بعد «محلی» اقتصاد اجتماع محور می‌تواند یک نقش کلیدی در پرکردن این شکاف بازی کند. توسعه اقتصادی محلی می‌تواند صرف نظر از سطح بهره‌وری و صلاحیت رسمی، به طور کامل از دارایی‌ها و منابع درون جامعه استفاده کند. این اقدام علاوه بر این فرصتی را فراهم می‌کند تا مردم توانایی‌ها و

3-“public living rooms”.



پیشینه‌های متفاوت اجتماعی و فرهنگی آشنا شوند، فضای عمومی را برای اجتماع خود اصلاح کنند، به تخصص و تجربه زندگی روزمره خود مهر تأیید بزنند و فعالانه در رهبری مدنی و اجتماعی مشارکت کنند. مراکز مادران به عنوان نقطه کانونی برای توسعه خدمات «نزدیک به خانه» از جمله مهدکودک، خانه سالمندان، خدمات غذا، کتابخانه، اسباب‌بازی و غیره عمل می‌کند. این مراکز ساختارهای خانواده و همسایگی تضعیف شده را از نو می‌سازند. این تضعیف شدن بر اثر فرآیند نوسازی<sup>[۵]</sup> (در اروپای غربی و آمریکای شمالی)، رژیم‌های کمونیستی سابق (در جمهوری چک و بلغارستان)، جنگ و منازعات داخلی (در بوسنی و رواندا)، فقر و اچ‌آی‌وی/ایدز<sup>[۶]</sup> (در کنیا) و مهاجرت داخلی (در فیلیپین) رخ داده است.

#### شهرهای دوستدار کودکان و زنان

یکی از آموزه‌های بزرگ جنبش بین‌المللی مراکز مادران این است که برای پرورش فرزندان به افراد بیشتری جز پدر و مادر نیاز است. کودکان و والدین نیازمند فضای دوستانه‌ای در دو سمت دیوارهای منزل خود هستند. یکی از مسائل حمایتی که مراکز مادران عمدتاً درگیر آن می‌شود، ایجاد اجتماعات شهری و شهرهای دوستدار کودکان و زنان است.

در سال ۲۰۰۴ مطالعه‌ای از سوی شبکه بین‌المللی مراکز مادران جهت توانمندسازی برای وزارت مسکن و شهرسازی هلند با عنوان «نه مرغ، نه تخم مرغ، بلکه آشیانه<sup>[۷]</sup>» انجام شد. در این گزارش ما به‌طور کلی از درس آموخته‌ها و داستان موفقیت‌های مراکز مادران درباره مسائل مربوط به مسکن و برنامه‌ریزی شهری استفاده کردیم. در این پژوهش تمرکز ما بر توسعه ساختارهای اجتماعی در کنار برنامه‌ریزی فیزیکی برای توسعه شهری و پروژه‌های بازسازی بود. هدف ما این بود که روش‌های مؤثر تهییج مشارکت مدنی و رهبری اجتماعات را شناسایی و تشریح کنیم. زمین‌داران و بنگاه‌های املاک، اجتماعات شهری را در درجه اول به صورت یک سرمایه‌گذاری مالی از طریق طراحی، خرید،

6- modernization.

7-HIV/AIDS.

8- "Not the Chicken, Not the Egg, But the Nest!".



تصویر شماره ۴

استعداد خود را پرورش دهند و آموزش و تمرین بیشتری برای ارتقای مهارت‌های شغلی خود داشته باشند. توسعه اقتصادی محلی می‌تواند اشتغال غیررسمی و کارآفرینی بخش غیررسمی را به ویژه برای زنان اعتبار بخشد. به خصوص که زنان حتی اگر شغل رسمی دارای درآمد نیز داشته باشند، عموماً حجم زیادی از کارهای بدون مزد را برای خانواده و جامعه انجام می‌دهند.

بومی‌سازی توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به بهبود جامعه نیز کمک کند. محله‌ای که توسط ساکنانش توسعه یافته است یک محصول بسیار ناب با هویت محلی است که کاملاً با اجتماعات دیگر متفاوت است. در واقع توسعه شهری محلی با هر طرح دیگری که برنامه‌ریزان حرفه‌ای خودشان تولید می‌کنند، متفاوت است. داشتن یک هویت و مشخصات متمایز محلی چیزی است که در بازاریابی تصویر و ارزش محله ارزش رو به رشدی دارد.

#### توسعه شهری از پایین به بالا

##### ابتکارات محله‌ای-مثالی از مراکز مادران

«شبکه بین‌المللی مراکز مادران برای توانمندسازی»<sup>[۸]</sup> (MINE) یک جنبش مردمی خودگردان است که از آلمان آغاز شده و طی دو دهه گذشته در ۱۵ کشور گسترش یافته است. در این مراکز مادران-زنان دور هم جمع می‌شوند تا زندگی خود و خانواده‌هایشان را بهبود ببخشند، با خانواده‌هایی از

5- The Mother Centers International Network for Empowerment.



تصویر شماره ۶

اقتصادی راهبردی شوند، محقق می شود.

### «شهریادگیری»<sup>[۸]</sup>

اجتماعات، شهرها و مناطق وقتی بهترین کارکرد را دارند که دانش، منابع و مهارت‌های شهروندان آن در تصمیم‌سازی‌های عمومی دخیل باشد. نرم‌افزار و سخت‌افزار فضای شهری نیازمند آن است که در درجه اول دارای حساسیت جنسیتی ویژه و مداوم باشد. این مسأله در مورد مفهومی موسوم به «سازمان افزار»<sup>[۹]</sup> یعنی چگونگی سازماندهی فرآیندهای برنامه‌ریزی و رهبری نیز به شدت صادق است.

بهترین طرح‌ها زمانی ریخته می‌شوند که افراد دارای منافع حیاتی یعنی ساکنان محلی، در طراحی آن مشارکت داشته باشند. زمانی که یک محله به جای طراحی شدن از روی یک محصول مهندسی بیرون آمده، از طراحی پیش‌نویس در دفتر سیاست‌گذاری، طی یک فرآیند اجتماع محور توسعه می‌یابد، نتیجه به دست آمده به‌ویژه برای زنان - به مراتب بهتر است. به‌طور کلی زنان در مقایسه با مردان ساعات بسیار بیشتری را در داخل یا نزدیکی محله خود صرف می‌کنند. آن‌ها بر اساس تجربه روزمره خود، دانش عمیق و روشنی درباره آنچه باید در داخل یا نزدیکی یک محله ساخته شود، دارند. برای مثال زنان بهتر می‌دانند که فضا، زیرساخت و خدمات عمومی چگونه باید طراحی شوند تا پاسخگوی نیاز همه اعضای جامعه باشند. برای استفاده از این دانش، افراد سازمان‌دهنده فضاهای محلی و محله‌ای باید خود را به سازمان‌های آموزنده تبدیل کنند. آن‌ها باید چارچوبی از فرصت‌ها برای مشارکت فعال ساکنان در توسعه محله، شهر و منطقه خود به وجود آورند. آن‌ها نیاز دارند تا زمینه مناسبی را برای شناسایی و ارزیابی ظرفیت‌های محلی و تلفیق دانش رسمی و غیررسمی فراهم کنند.

شبکه بین‌المللی مراکز مادران برای توانمندسازی، مفهوم «آکادمی‌های محله‌ای»<sup>[۱۰]</sup> را بسط داده

9- 'The Learning City'.

10- "orgware".

11- Neighborhood Academies.



تصویر شماره ۵

فروش یا اجاره می‌بینند. در اکثر موارد، مسأله انسجام اجتماعی و مشارکت مدنی بخشی از محاسبات اقتصادی نیست. و اما آشیانه! این رویکرد به منظور آشتی دادن بعد اجتماعی و فیزیکی در توسعه و مدیریت شهری اتخاذ شده است. این هدف با ایجاد «اجتماعی» که از طریق آن برنامه‌ریزی شهری و انسجام اجتماعی تبدیل به عناصر جدایی‌ناپذیر توسعه



است. این مفهوم به روش‌شناسی تولید دانش برای ایجاد مشارکت و دخالت اجتماعی از طریق سازماندهی محله‌ها به‌عنوان مناطق یادگیری اطلاق می‌شود. این آکادمی وظیفه ساختن ارتباطات و اجتماعات داخلی را در کنار ساخت مشارکتی مرتبط با تصمیم‌سازی عمومی به‌عهده دارد. (جزئیات بیشتر در وب‌سایت [www.nest.cc](http://www.nest.cc) قابل مشاهده است).

### رویکردهای جدید به حاکمیت شهری

در برخی مراکز شهری، مشکلات اجتماعات بیشتر از آنکه نتیجه ضعف‌های نهادی باشد، برآیند تسلط نهادی است. برای مثال در هلند، فقدان نگاه باز به آرایش گسترده‌تری از ذینفعان و منابع اجتماعی، پیامد سابقه و موفقیت برنامه‌ریزی شهری رسمی است. این وضعیت منجر به ایجاد نقاضاهای رو به رشدی برای «نهادینه زدایی»<sup>[1]</sup>، تقویت دخالت خودگران شهروندان و ایجاد تغییرات کلیدی نقش‌ها در تمام سطوح حاکمیت شهری یعنی تبدیل تصمیم‌سازی و ارائه خدمات به تسهیل‌گری فرآیند حاکمیت اجتماع محور شده است. در این مدل جدید، ساکنان منافع خود را بیان می‌کنند، تفاوت‌ها را مدیریت می‌کنند و مهارت‌ها و منابع خود را در اختیار هم می‌گذارند. فرآیند حاصل از همکاری احترام‌آمیز شامل یادگیری در تمام سطوح با تشویق مهارت و ظرفیت‌های شهروندی مانند ابتکار عمل، مسئولیت جمعی و مشارکت فعال می‌شود.

مشارکت و رهبری زنان برای موفقیت این فرآیند جدید حاکمیت شهری کاملاً ضروری است. زمانی که زنان نه تنها به‌طور فعالانه مشارکت می‌کنند بلکه یک نقش مرکزی را به‌عهده می‌گیرند، توسعه بلندمدت می‌تواند جامعیت و پایداری بیشتری داشته باشد. در سطح جهانی، تجربه مشارکت و رهبری زنان در حاکمیت محلی پیشرفت‌های چشمگیری را در اثربخشی سیاسی و اجتماعی نشان داده است زیرا زنان تمایل بیشتری دارند که نه فقط منافع اعضای قدرتمند و بانفوذ اجتماع بلکه نیازها و دیدگاه‌های همه افراد جامعه را در نظر بگیرند. زنان معمولاً در پل زدن و ایجاد اتحاد میان اختلافات و درگیری‌های اجتماعی، فرهنگی و قومی در درون اجتماعات خود پیشرو هستند.

### پیشنهادات

محیط‌های شهری مشارکتی و دارای حساسیت جنسیتی را می‌توان با سیاست‌گذاری‌های زیر حمایت کرد:

- استفاده مختلط از فضا و ادغام کارکردهای کار، تجارت، زندگی، مراقبت و تفریح.
- توجه و سرمایه‌گذاری برابر روی نرم‌افزار، سخت‌افزار و سازافزار اجتماعات.
- فراهم کردن فرصتی برای ساکنان به منظور طرح نیازها و یافتن راه حل برای آن‌ها.
- ارائه فضا برای برگزاری نشست‌های خودگران برای ساکنان.
- ایجاد زیرساخت عمومی مناسب برای همه افراد جامعه: کودکان، جوانان، افراد مسن، معلولان.
- فراهم ساختن امکان استفاده چندگانه و منعطف از فضای عمومی توسط ساکنین.
- مساعد کردن شرایط برای حفظ و توسعه فعالیت‌های اقتصادی شامل کسب و کار اجتماع محور و شرکت‌های کوچک و متوسط شخصی محلی.
- ایجاد فضاهای تجربی در اجتماعات برای توسعه خلاقیت و نوآوری از پایین به بالا.
- پشتیبانی از ابتکارات اجتماع محور مانند مراکز مادران و آکادمی‌های محله‌ای.
- هدایت منابع عمومی عمده به سمت اقدامات مردمی.
- به رسمیت شناختن ساکنان جوامع محلی به‌عنوان شرکاء و ذینفعان مهم در برنامه‌ریزی شهری.
- ترویج و حمایت از مشارکت و رهبری زنان در اداره شهری و توسعه اجتماعی.

### نتیجه‌گیری

در مباحثات بین‌المللی اخیر در مورد مسائل مربوط به شهرنشینی، برنامه‌ریزی شهری و توسعه، بهترین روش پرداختن به چالش‌های عمده به‌طور فزاینده‌ای در تقویت منابع اجتماعی و سرمایه انسانی به‌جای ایجاد ساختارهای فیزیکی دیده می‌شود. راهبردهای بازسازی شهری، پیشگیری از خشونت و تضمین صلح اجتماعی از طریق ارتقای انسجام اجتماعی و مشارکت فعال مدنی بر بوم‌شناسی اجتماعی محله‌ها و شهرها متمرکز شده است. مردم ممکن است بخشی از مشکلات باشند اما تنها راه حل مناسب برای این مشکلات نیز هستند زیرا آن‌ها قوی‌ترین و پرتعدادترین دارایی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر محله، شهر و منطقه هستند.

این رویکرد جدید در حاکمیت شهری قدرت صاحبان زمین و طراحان فیزیکی را محدود می‌کند. محله‌ها نیاز دارند تا از طریق یک فرآیند دخالت مستقیم و اجتماع‌سازی توسط ساکنان احیا شوند. در این دیدگاه شهروندان به‌عنوان مصرف‌کنندگان و ذینفعان سیاست‌گذاری‌ها دیده نمی‌شوند بلکه تولیدکنندگان واقعی توسعه شهری هستند.

تخریب و نوسازی محیط‌های ساخته شده باید با اولویت حفظ شبکه‌های اجتماعی و مشارکت محلی صورت گیرد. به‌طور معمول بیلبردها و تبلیغات بنگاه‌های املاک آن دسته از همان‌های جذاب زندگی اجتماعی را به تصویر می‌کشند که آن‌ها نمی‌توانند به‌سادگی و با ساختن سازه‌ها و فضاهای شهری با کیفیت فراهم کنند: مردم، فضا، اجتماع و هویت. فقط ساکنان محله، کارگران و کارآفرینان می‌توانند در بازیابی این عناصر اساسی از دست‌رفته نقش داشته باشند. به شرطی که به‌عنوان یک همکار به رسمیت شناخته شده و از مجال مناسب و احترام برخوردار در طی فرآیند توسعه و مدیریت شهری برخوردار شوند. ■

### منابع

1- "GENDER EQUALITY AND URBAN DEVELOPMENT: BUILDING BETTER COMMUNITIES FOR ALL" in Global Urban Development Magazine, volume 2, issue 1, March 2006.

<sup>12</sup> "deinstitutionalization".